

خیانت صهیونیسم به تاریخ

۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۳۹

آخرین تلاش بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی برای به بن‌بست کشاندن مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵، سخنرانی او در کنگره آمریکا بود؛ نطقی جنجالی که البته چیزی بجز اجرای همان سناریوی قدیمی ایران‌هراسی نبود.

با این حال نتانیاهو در نطق اخیر خود حرفی به میان آورد که نشان داد او افزون بر دشمنی با انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، کینه‌ای از مردم و تمدن ایرانی نیز به دل دارد. کینه‌ای که حتی باعث شد او در سخنرانی خود، با تحریف تاریخ، ایرانیانی را که دست‌کم در سه دوره، ناجی قوم یهود بوده‌اند یهودستیز خوانده و مردم کشورمان را با نازی‌های آلمان مقایسه کند!

این تحریف تاریخ چنان مضحک و شگفت‌آور بود که ساعاتی پس از اتمام سخنرانی نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس در کنگره، بسیاری از صاحب‌نظران در حوزه تاریخ و تمدن، ضمن ابراز شگفتی از آنچه نتانیاهو در نطق خود روایت کرده، تاکید کردند که او حتی در نقل آنچه گفته، به کتب مورد قبول یهودیان، یعنی کتاب «استر» نیز وفادار نبوده است. فارغ از این که چرا باید یک سیاستمدار در سخنرانی خود به جای سند و مدرک واقعی، از قصه‌ها و روایت‌های ادبی برای اثبات کینه‌های قدیمی خود نسبت به کشورمان استفاده کند، این که نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی برای اجرای پروژه ۲۳ ساله ایران‌هراسی خود به تحریف تاریخ روی آورده، جای تامل بیشتری دارد.

قصه‌ای که نتانیاهو وارونه تعریف کرد

او در سخنرانی خود در کنگره از تصمیم پادشاه ایرانی برای قتل عام یهودیان در دوره‌ای از تاریخ یاد کرد و مدعی شد که یک زن یهودی، مانع از این قتل عام شده است. آنچه البته او در این روایت ناتمام نگفت، این بود که همان زن یهودی ناجی یهودیان، خود ملکه ایرانی بوده و آن کسی که فرمان به عدم قتل عام یهودیان داد و حتی حکم کرد که دشمنان یهود به دار آویخته شوند، پادشاه ایرانی بود.

گرچه اصولاً باید داستان استر را قصه‌ای از جنس روایت‌های غیرتاریخی دانست که هیچ اصالت علمی از نظر تاریخی نداشته و مربوط به دوره‌ای است که اما و اگرهای بسیاری درباره واقعیت‌های تاریخی وجود دارد، با این حال حتی اگر بخواهیم سندیتی

هرچند ضعیف برای این قصه اسطوره‌ای که ناقل آن یهودیان هستند قائل شویم، باید گفت که این داستان چنین است: «در دربار خشایارشا، پادشاه هخامنشی که بر ۱۲۷ استان فرمان می‌راند، یک مهمانی برگزار شد و ملکه فراخوانده شد که زیبایی خود را به مهمانان نشان دهد.

ملکه از این کار سر باز زد و شاه با مشاوره همراهانش تصمیم گرفت او را عزل کند و شخص دیگری را جای او بنشاند، تا نمونه‌ای برای زنان قلمرو پادشاهی‌اش برای فرمانبرداری از شوهرانشان باشد. در جستجو برای یافتن دختری به جای ملکه، دختران زیبارو به قصر برای گلچین شدن آورده شدند. یکی از این دختران، استر بود که به‌عنوان ملکه برگزیده شد.

طبق آموزش پسرعمویش (مردخای، که بعدها مشاور شاه شد) او هیچ سخنی از تبارش که یهودی بود، نگفت. بعدها وزیر هخامنشی به نام هامان بن همداتای اجاجی که از بی‌حرمتی مردخای و تعظیم نکردن او دل آزرده بود، کینه یهودیان را به دل گرفت و با دلایلی مانند این که شرایع قوم یهود مخالف همه قوم‌هاست از شاه اجازه خواست همه آنان را به هلاکت برساند، ولی مردخای از جریان آگاه شد و از استر درخواست کرد جلوی این کار را بگیرد.

استر، پادشاه را به همراه هامان به دو مهمانی دعوت کرد و سپس استر در مهمانی دوم به پادشاه گفت که یهودی است و هامان قصد نابودی قوم یهود را دارد. پس استر حکمی از شاه گرفت که به موجب آن یهودیان از انهدام رهایی یابند و دشمنان یهود به ویژه هامان به دار آویخته شدند...»

با نگاهی به همین روایت غیرتاریخی که یهودیان در کتاب خود به آن استناد می‌کنند، روشن است که قصه استر، نه‌تنها نشانی از یهودی‌ستیزی ایرانیان ندارد، بلکه نشان می‌دهد پادشاه وقت ایران وقتی از توطئه قتل‌عام یهودیان به‌دلیل یک مشکل شخصی آگاه شد، حکم به تنبیه فرد خاطی داد. بنابراین نه‌تنها مردم ایران - که در ساختار سلطنتی آن دوره تاریخی نمی‌توانسته‌اند نقشی در تصمیم‌گیری‌های کلان داشته باشند - یهودی‌ستیز نبوده‌اند، بلکه حتی پادشاه ایرانی نیز با حکم خود، یهودیان را نجات داد.

جالب اینجاست که اگر فقط به روایت یهودیان از این قصه نیز وفادار بمانیم، مشکل هامان با یهودیان نبوده، بلکه یک کینه شخصی با مردخای او را به چنین سمتی سوق داده که علیه یهودیان برنامه‌ریزی کند. بماند که کوروش، پادشاه دیگر ایرانی نیز زمانی یهودیان را از اسارت نجات داده و در بزنگاه‌های تاریخی دیگری نیز ایرانیان ناجی یهودیان بوده و به همین دلیل در حال حاضر کم نیستند یهودیانی که در کنار ایرانیان در کشور خود زندگی می‌کنند.

بنابراین القای یهودستیز بودن ایرانی‌ها در طول تاریخ آن‌طور که نتانیاهو آن را مورد اشاره قرار می‌دهد، نه‌تنها یک تحریف تاریخی، که خیانتی در حق قصه‌های قوم یهود بوده و نشان می‌دهد صهیونیست‌هایی که دین یهود را در اسارت خود گرفته‌اند، چطور برای دست یافتن به اهداف و غرایض سیاسی‌شان پا روی تاریخ و قصه‌های به جا مانده از گذشته نهاده و حاضرند برای اجرای پروژه ایران‌هراسی، حتی هویت و گذشته خود را نیز تغییر دهند.

منبع:جام جم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/30364/تاریخ-صهیونیسم-خیانت/>